

کتاب



توزیع کوپنی

مترادف کوپنیسم یا کمونیسم!

برای ایجاد ثبات در بازار کالاها، قبل از جنگ ستادی تحت عنوان ستاد بسیج اقتصادی در کشور تشکیل شده بود. ستاد کالاهای اساسی را با نرخ تمام شده و سود متعارف با استفاده از سیستم سهمیه بندی و کوپن، بین مردم توزیع می کرد. یعنی افراد، مطمئن بودند حداقل مایحتاج ضروری زندگی شان تأمین خواهد شد. واقعاً کار بزرگی بود. به جرأت می گویم هیچ وقت اختلالی در آن سال ها صورت نگرفت.

مشاهده کنید وقتی در سال ۱۳۹۲، دولت بین مردم سبد کالا توزیع کرد چه مشکلاتی به وجود آمد! ما در سال های جنگ هیچ وقت با چنین پدیده ای که در سال ۱۳۹۲ رخ داد روبه رو نشدیم.

به هر حال مسأله ارزاق و نیازهای اساسی مردم برای دولت بسیار مهم بود. هم امام (ره)، هم رئیس جمهور و هم نخست وزیر به شدت بر این مسأله تأکید می کردند که نباید مردم در تأمین ارزاق عمومی شان با مشکل مواجه شوند.

در آن برهه، عده ای هم بودند که توزیع کوپنی محصولات را مترادف با کوپنیسم یا کمونیسم می دانستند و معتقد بودند نباید چنین اقداماتی را در سطح جامعه انجام داد.



بعد از جنگ گفته شد دولت در برنامه اول توسعه کسری بودجه ندارد. اما واقعیت چیز دیگری بود و اتفاقاً کسری وجود داشت، اما پنهان بود، یعنی دولت کسری بودجه نداشت، اما بدهی شرکت های دولتی به بانک مرکزی به شدت زیاد شد که نوع پنهان کسری بودجه است. دولت، بعد از جنگ با گران فروشی ارز، گرچه از نظر

حسابداری کسری بودجه خود

را پوشاند و این کسری

در بودجه نشان

داده نشد، اما

کسری بودجه

واقعی اتفاق افتاد

که مصداق آن تورم

۴۹٫۵ درصدی در

سال ۱۳۷۴ بود



🔴 قیمت کالاها نسبت به سال گذشته اش به چه میزان و چند بار در سال افزایش پیدا می کرد؟ اصولاً همه ساله این اتفاق می افتد که وقتی سال جدید آغاز می شود، قیمت ها افزایش و کالاها و خدمات با نرخ های جدید عرضه می شود؟ آیا در زمان جنگ با چنین پدیده ای مواجه بودید؟

به جرأت می گویم قیمت کالاها و خدمات اصلاً این طور نبود که هر ساله افزایش پیدا کند. در زمان جنگ، قیمت کالاها به مانند گوشت و مرغ افزایش نداشت چرا که تیم اقتصادی دولت معتقد بود، این افزایش در آن برهه، منجر به دامن زدن به انتظارات تورمی خواهد شد. بنابراین سعی می کردیم که ارز را گران نکنیم یعنی قیمت رسمی دلار همان ۷ تومانی بود

که از سال های قبل از انقلاب هم بود و این رقم تا پایان جنگ ثابت ماند. جالب اینکه، با وجود مصیبت های کاهش قیمت نفت، کاهش میزان صادرات نفت به دلیل بمباران های مخازن و کاهش میزان صادرات نفت به دلیل زدن نفتکش ها در خلیج فارس که وزارت نفت با تعداد زیاد نفتکش های کوچک نفت خام را تا جزیره سیبری منتقل و از آنجا به نفتکش های بزرگ منتقل و صادر می کرد و نیز با وجود افزایش شدید جمعیت، قیمت ارز که نقش مبنایی در ایجاد یا تثبیت تورم دارد، افزایش نیافت و دیگر این که تلاش شد تا حد امکان کالاها را گران نکنیم و روی کالاها اساسی مردم، بعضاً پارانه اختصاص بدهیم. ما معتقد بودیم اگر قیمت برخی از کالاها مانند نان گران شود، این گرانی بر سایر کالاها نیز اثر گذاشته و قیمت سایر کالاها هم افزایش خواهد

کتاب

افشای کلکسیون تخلفات سنگین بنیاد نبوت

مسئول بنیاد تلاش می کرد تا مجموعه شخصی خود را وابسته به حاکمیت قلمداد کرده و با وام دهی به کارکنان دولتی از جمله مدیران کل برخی از دستگاه ها و سه معاون وزیر، تخلفات خود را لاپوشانی کند

تاکنون و در شماره های قبلی «ایران اقتصادی»، روایت محمد جواد ابروانی وزیر اقتصاد سال های ۶۴ تا ۶۸ شرایط آن روزهای اقتصاد ایران، نحوه اداره این وزارتخانه، تصمیم گیری ها، روابط با مجلس، ارتباط با بانک مرکزی و... منتشر شد. در شماره امروز، مباحثی پیرامون بودجه شرکت های دولتی، وقوع کسری بودجه پنهان دولت وقت، همچنین کاهش درآمد ارزی در سال های پایانی جنگ تحمیلی و ماجرای افشای تخلفات مدیرعامل بنیاد نبوت مطرح و تشریح شده است.

می رسد خیلی جذاب و خواندنی باشد. خود شما چند سال پیش داستان رئیس این بنیاد و تخلفات غیرقانونی او را تعریف کردید. اگر امکان دارد یک بار دیگر مفصل بفرمایید که داستان بنیاد نبوت چه بود و شما چه درگیری هایی با رئیس و عوامل این بنیاد داشتید؟

همیشه تا دیر وقت در دفتر خود مشغول کار بودم. شبی در حین انجام کارهایم در وزارت اقتصاد، رونوشت یک نامه را پیدا کردم. نامه متعلق به تخلفات فردی به نام موسوی قمی مدیرعامل بنیاد نبوت به نام «نبوت» بود. قبلاً از یک نفر شنیده بودم این بنیاد که ساختمان آن در خیابان جهان کودک بود، سیگار خارجی می فروشد. بلافاصله به مرحوم حسینی معاون مالیاتی خود گفتم این مؤسسه را بررسی و چگونگی ماهیت و فعالیت آن را بویزه

یافت. بالاخره شرایط جنگ، اقتضات خاص خودش را دارد. اغراق نمی کنم اما واقعاً، مدیریت قوی و نیرومندی بر وزارتخانه ها حاکم بود. شما وقتی اقتصادی را رها می کنید باید مراقب باشید رانت ایجاد نشود و همه مردم در معرض بهره برداری تمام امتیازات باشند. ضمن اینکه مبارزه با فساد نیز باید سهمگین باشد، یعنی شما شانه به شانه کسانی که فساد می کنند قدمل کنید، اگر شما کوتاه بیاورید آنها جلو می آیند. در زمان جنگ ما در برخورد با فساد محکم عمل می کردیم.

🔴 شما به قاطعیت در برخورد با اختلالات و مفاسد اقتصادی مشهور هستید. در دوره وزارتتان نیز اقداماتی انجام دادید که شنیدن آن خالی از لطف نیست. به عنوان مثال ماجرای بنیاد نبوت به نظر

در گفتگوی اختصاصی روزنامه جمهوری اسلامی با وزیر امور

جزئیات تازه ای از فعالیت بنیاد نبوت فاش شد



از منظر مالیاتی رصد کند. وی با مراقبت از مؤسسه مذکور و رفت و آمدهای مشکوک در آن، دفاتر آن را طبق ماده ۱۸۱ قانون مالیات ها ضبط کرد. پس از بررسی های متعدد نیز مشخص شد مؤسسه مذکور انبوهی از فعالیت های غیرقانونی انجام می داده است. جالب اینکه مسئول بنیاد تلاش می کرد تا مجموعه شخصی خود را وابسته به حاکمیت قلمداد کرده و با وام دهی به کارکنان دولتی از جمله مدیران کل برخی از دستگاه ها و سه معاون وزیر، تخلفات خود را لاپوشانی کند. بنیاد نبوت ده ها شرکت تشکیل داده بود و حتی به دنبال تأسیس دانشگاه نبوت نیز بود. جالب تر اینکه این مؤسسه تحت عنوان کمک به جبهه ها، کارها و تخلفات گوناگون خود را انجام می داد و خود را به عنوان یک نهاد انقلاب اسلامی معرفی می کرد. حتی ماشین بنز و ظاهرراً محافظ هم در اختیار داشت. خلاصه تخلفات غیرقانونی خود را کاملاً جریانی و سازمان یافته انجام می داد. حتی متوجه شدیم که این شخص قصد نامزد شدن برای نمایندگی مجلس را داشته و برای ورود به مجلس شورای اسلامی نیز تبلیغات گزاف و پرخرجی انجام داده است، اما صلاحیتش از سوی شورای نگهبان رد شده بود... معتقد بودم باید با متخلفان درشت برخورد قاطع صورت گیرد تا بقیه حساب کار خود را بکنند. قبل از اینکه بخواهم اقدام خاصی انجام بدهم، با نخست وزیر و آیت الله موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه موضوع را توضیح دادم و در یک غافل گیری در مصاحبه با صداوسیما موضوع این فرد و تخلفاتش را آشکار کردم. وقتی مصاحبه از سوی صداوسیما پخش شد، جنجال زیادی صورت گرفت. البته در این گونه